

ردپای قاچاقچی آثار باستانی در خانه فساد

یک قاچاقچی اشیای عتیقه و آثار باستانی که گرداننده خانه فساد نیز بود دستگیر شد. سرهنگ «حجت‌الله کرمی‌زند» رئیس پلیس شهر قدس غرب استان تهران گفت: مأموران پلیس امنیت در پی کسب اخباری مبنی بر نگهداری و فروش اشیای عتیقه و آثار باستانی توسط گرداننده خانه فساد به‌صورت ویژه وارد عمل شدند. سرهنگ کرمی‌زند ادامه داد: پس از انجام تحقیقات ویژه و با تشکیل تیم عملیاتی این مرد در یک عملیات غافلگیرانه ودر خانه فساد دستگیر شد.

این مقام پلیسی گفت: مرد قاچاقچی در بازجویی به وجود اشیای عتیقه در خانه خود اعتراف کرد که در بازرسی‌ها، یک کیف و یک کارتن حاوی انواع آثار باستانی و عتیقه داخل اتاق خواب وی که به صورت کاملاً حرفه‌ای در قسمت کمد دیواری جاسازی شده بود، کشف شد.

حمله ۲ دزد مسلح به طلافروشی در «آشخانه»

دو مرد مسلح با حمله به طلافروشی‌ای در «آشخانه» غرب استان خراسان شمالی دست به سرقت زدند. به گزارش ایرنا، دو دزد مسلح شامگاه شنبه با استفاده از تاریکی شب به یک طلافروشی در شهر آشخانه در مرکز مانه و سملقان دستبرد زدند. این دزدان موفق شدند مقداری طلا را به سرقت برده و متواری شوند. براساس اظهار این منابع، پلیس امنیتی خراسان شمالی به سرنخ‌هایی از این سرقت مسلحانه رسیده و دزدان نیز با فرضیه اولیه شناسایی شده‌اند. این دومین باری است که در دو سال اخیر واحدهای طلافروشی در شهر آشخانه در غرب استان خراسان شمالی مورد دستبرد مسلحانه قرار می‌گیرند.

حوادث امروز

- مهار آتش تانکر بنزین پیش از انفجار
- راز عروسک در باند خانوادگی سرقت
- کلاهبرداری میلیونی زن و شوهر در رشت

تلفن گروه شوک: ۲۱-۸۸۷۶۱۶۲۰

شوک ویژه

پایان فرار جوان میوه فروش در پرونده قتل پیرمرد



گروه شوک: مرد میوه فروش که پیرمردی را به قتل رسانده و فراری شده بود، دستگیر شد.

ساعت ۸ شب ۲۴ بهمن‌ماه سال گذشته وقتی دعوای خونینی در خیابان «مهمان‌نوازان» محله «فلاح» تهران رخ داد تیمی از مأموران کلانتری ۱۶۱ ابوذر دست به تحقیقات میدانی زدند و پی بردند مرد ۶۹ ساله‌ای با میوه فروش ۲۹ ساله‌ای به نام «عباس» درگیر شده و از پشت سر دچار شکستگی و خونریزی شدید شده است. وقتی پیرمرد روی تخت بیمارستان به‌کام مرگ فرو رفت و پرونده وارد مرحله جنایی شد، با وجود انجام اقدام‌های پزشکی و به علت شدت جراحت وارد شده، مجروح به علت مرگ ناشی از اصابت جسم سخت به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی تهران تیمی از اداره ۱۰ پلیس آگاهی وارد عمل شدند تا پرده از جزئیات جنایی بردارند.

کارآگاهان خیلی زود پی بردند جوان میوه فروش وقتی شنیده پیرمرد کشته شده تهران را ترک کرده و گریخته است.

«عباس» تحت تعقیب قرار گرفت تا این که افسر پرونده اطلاع یافت عامل جنایت پس از چند ماه زندگی مخفیانه در یکی از روستاهای استان گلستان باز به‌تهران برگشته است. کارآگاهان مخفیگاه قاتل فراری را در «دوراهی قپان» شناسایی کردند و روز ۲۴ فروردین‌ماه وی را به دام انداختند.

«عباس» در بازجویی‌ها گفت: «روز جنایت در حال پخش نذورات برای شادی روح پدرم مقابل مغازه بودم که پیرمرد به در مغازه آمد و گفت چرا برای پدرت خرما پخش می‌کنی؟ در حالی که از نحوه بیان این سؤال بسیار عصبانی شده و آن را به نوعی توهین به خود و پدرم احساس کرده بودم، در یک لحظه کنترل خود را از دست داده و پیرمرد را با شدت به عقب هل دادم که باعث شد وی از پشت سر به زمین بخورد.»

قتل غافلگیرانه مرد از سوی پسر ۱۷ ساله

پسر نوجوان در برابر چشمان حیرت‌زده جمعیت به مردی حمله برد و وی را با ضربه چاقو زخمی کرد.

رئیس پلیس مرودشت استان فارس گفت: مأموران کلانتری ۱۱ انقلاب مرودشت از وقوع یک نزاع و درگیری با چاقو در یکی از محله‌های مرودشت مطلع شدند. وی افزود: مأموران بلافاصله در محل حاضر شده و مشاهده کردند مردی در اثر ضربه چاقو از ناحیه سینه دچار خونریزی شدید شده که بلافاصله وی را به بیمارستان منتقل کردند ولی مجروح جان باخت.

سرهنگ «شیبانیان» ادامه داد: در تحقیقات مشخص شد پسری ۱۷ ساله با سوءاستفاده از ازدحام جمعیت مردی را غافلگیر کرده و با زدن ضربه چاقو به وی سریعاً از محل متواری شده است.

رئیس پلیس مرودشت اظهار کرد: مأموران بلافاصله تحقیقات برای شناسایی مخفیگاه عامل جنایت و دستگیری وی را با به‌کارگیری تدابیر خاص پلیسی آغاز کردند.

سرهنگ «شیبانیان» تصریح کرد: مأموران پس از انجام تحقیقات میدانی در محل و تجزیه و تحلیل اطلاعاتی، مخفیگاه قاتل را شناسایی کردند که وی نیز اعتراف کرد.

این زن و مرد در مسیر شهرری به ورامین به زور گیری دست می‌زدند

زوج رؤیاپرداز پشت میله‌های زندان



گروه شوک: زوج جوان که برای زندگی رؤیایی‌شان خواستند میانبر بزنند به‌طراحی توطئه زورگیری از زنان مسافر پرداختند.
اما مسیر کوتاه این زوج زورگیر را به‌جای سرزمین آرزوها پشت میله‌های زندان رساند. ساعت ۶ عصر جمعه ۱۶ اسفندماه سال گذشته دختر دانشجویی با چهره‌ای آشفته خود را به کلانتری ۱۱ ورامین رساند و از گرفتار شدن در دام زوج زورگیری خبر داد.

دختر جوان به تیم تحقیق گفت: در ایستگاه متروی شهرری منتظر تاکسی بودم تا به خانه‌مان در ورامین بروم که پراید سفیدرنگی که راننده جوان و مسافر زنی سوار بر آن بودند جلوی پایم ایستاد. چون زن دیگری مسافر پراید بود سوار آن شدم و اصلاً فکر نمی‌کردم آنها زورگیر باشند.

پس از دقایقی و در حالی که هوا تاریک شده بود راننده جوان ادعا کرد لاستیک خودرو پنچر شده و در کنار جاده توقف کرد که ناگهان زن جوان از صندلی جلو پیاده شد و به عقب آمد و برق چاقویی که در دستش بود مرا شوکه کرد تا خواستم سر و صدا کنم راننده جوان با اسلحه‌ای که داشت مرا تهدید کرد و خواست تا آرام باشم. ترسیده بودم و به آنها التماس می‌کردم. زن چاقوکش کیف دستی، طلاها و گوشی موبایلم را گرفت و پس از پیاده کردن من، در همان مسیر تاریک سوار بر پرایدشان شدند و پا به فرار گذاشتند. با ادعاهای دختر جوان تیم ویژه‌ای از مأموران اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی شرق تهران به دستور بازپرس کوهپایه از شعبه دوم دادسرای ورامین دست به کار شدند تا زوج زورگیر را دستگیر کنند.

کارآگاهان در گام نخست تحقیقات پی‌بردند زن دیگری در دام مشابهی گرفتار شده و با راهنمایی‌های وی توانستند عکس چهره نگاری شده راننده هفت تیرکش را به‌دست آورند. در حالی که عکس فرضی در اختیار نیروهای گشت پلیسی بود کارآگاهان در شاخه دیگری از تحقیقات محدوده‌های جغرافیایی را که زوج جوان طعمه‌هایشان را در آن غافلگیر می‌کردند تحت بررسی قرار دادند و توانستند دوربین مداربسته‌ای را که شماره پلاک خودروی دزدان را ضبط کرده بود شناسایی کنند. همین سرنخ کافی بود تا مأموران خانه صاحب خودرو را ردیابی کنند اما وقتی به سراغ وی رفتند پی بردند چندی پیش خودرو به‌صورت قولنامه‌ای به مرد دیگری فروخته شده است.

بدین ترتیب مأموران مخفیگاه راننده جوان را در منطقه کارخانه قند ورامین شناسایی کردند و در اقدامی غافلگیرانه زوج زورگیر را به دام انداختند. مریم و علیرضا ابتدا ادعای بی‌گناهی کردند اما وقتی خود را در برابر طعمه‌هایشان دیدند لب به اعتراف باز کردند.

«علیرضا» به مأموران گفت: مدتی بود که با «مریم» عقد موقت کرده بودم و کار در آژانس برایم سخت بود و به پول زیادی نیاز داشتم تا برای شروع زندگی خانه‌ای اجاره کنم به همین خاطر با اصرارهای من، «مریم» نیز پذیرفت تا با هم زورگیری کنیم.

وی افزود: اسلحه‌ای که داشتم قدیمی بود، کار نمی‌کرد و تنها برای ترساندن طعمه‌هایمان از آن استفاده می‌کردیم. علیرضا ادامه داد: چون سابقه‌دار نبودم فکر نمی‌کردم آنقدر زود دستگیر شویم و پول کمی نیز به‌دست آوردیم.

گفت‌وگو با زن جوان

«مریم» ۲۲ ساله که چهره‌ای آرام دارد ادعا می‌کند به‌خاطر این که «علیرضا» به‌پسرش آسیب نرساند با وی همدستی کرده است.

از همسرت جدا شدی؟

بله، ۱۶ سال داشتم که ازدواج کردم و بعد از چند سال زندگی، صاحب پسری شدیم اما همسرم بیکار بود و درآمدی نداشت به همین خاطر از هم جدا شدیم.

پسرت چند ساله است؟

سه ساله است و پیش مادرم زندگی می‌کند.

چطور با «علیرضا» آشنا شدی؟

بچه محل هستیم.

شغل؟

بعضی اوقات برای کمک در بیمارستان کار می‌کردم و پول خوبی نیز به دست می‌آوردم.

پس چرا زورگیری؟

«علیرضا» اصرار داشت که کمکش کنم تا زودتر پول پیش برای خانه به‌دست آوریم و چون نمی‌خواستم آینده بچه‌ام خراب شود و «علیرضا» به وی آسیبی نرساند، پذیرفتم تا در نقشه زورگیری همراهی‌اش کنم.

چه نقشه‌ای؟

در متروی شهرری زنان را سوار بر خودرو می‌کردیم و در مسیر ورامین به بهانه پنچر شدن لاستیک، خودرو را کنار جاده نگه می‌داشتیم و «علیرضا» از خودرو پیاده می‌شد و با اسلحه‌ای که در دست داشت در صندلی عقب می‌نشست و من نیز چاقو به دست خودم را به کنار طعمه‌مان می‌رساندم و دست به سرقت همه وسایل، طلا و پول می‌زدیم و این کار را نیز در مسیر برگشت یعنی ورامین به شهرری هم انجام می‌دادیم.

سابقه‌داری؟

یک‌بار به‌خاطر سرقت یک گوشی موبایل دستگیر شدم.

خانواده‌هایتان از آشنایی شما خبر داشتند؟

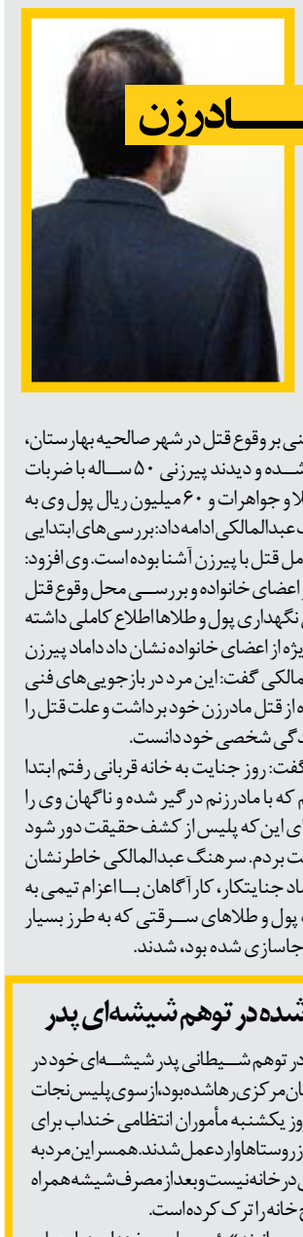
بله، حتی یک‌بار که «علیرضا» مرا کتک زده بود از وی شکایت کردم و آنجا بود که همه از عقد موقت ما با خبر شدند.

پشیمانی؟

بله، تنها نگران پسرم هستم.

بنابر این گزارش، بازپرس کوهپایه با تقاضای چاپ عکس زوج زورگیر جوان خواست تا کسانی که در دام مسافرکشی آنها گرفتار شده‌اند به اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی شرق تهران یا شعبه دوم بازپرسی دادسرای ورامین مراجعه کنند.

قتل مادرزن



گروه شوک: دخالت مادرزن کافی بود تا داماد خشمگین وی را به قتل برساند.

به گزارش پلیس، سرهنگ داود عبدالمالکی رئیس پلیس شهر بهارستان درخصوص این خبر گفت: با دریافت خبری مبنی بر وقوع قتل در شهر صالحیه بهارستان، کارآگاهان به محل اعزام شده و دیدند پیرزنی ۵۰ ساله با ضربات چاقو به قتل رسیده و طلا و جواهرات و ۶۰ میلیون ریال پول وی به سرقت رفته است. سرهنگ عبدالمالکی ادامه داد: بررسی‌های ابتدایی از صحنه جرم نشان داد عامل قتل با پیرزن آشنا بوده است. وی افزود: مأموران در بازجویی از اعضای خانواده و بررسی محل وقوع قتل متوجه شدند قاتل از محل نگهداری پول و طلاها اطلاع کاملی داشته است که بازجویی‌های ویژه از اعضای خانواده نشان داد داماد پیرزن می‌تواند قاتل باشد. عبدالمالکی گفت: این مرد در بازجویی‌های فنی پلیسی تسلیم شد و پرده از قتل مادرزن خود برداشت و علت قتل را دخالت‌های مادرزن در زندگی شخصی خود دانست.

وی در اعترافات خود گفت: روز جنایت به خانه قربانی رفتم ابتدا قصد حل مشکل را داشتم که با مادرزنم درگیر شده و ناگهان وی را با چاقو به قتل رسانده و برای این که پلیس از کشف حقیقت دور شود طلاها و پول‌ها را به سرقت بردم. سرهنگ عبدالمالکی خاطرنشان کرد: در پی اعتراف داماد جنایتکار، کارآگاهان با اعزام تیمی به خانه وی موفق به کشف پول و طلاهای سرقتی که به طرز بسیار ماهرانه‌ای در حمام خانه جاسازی شده بود، شدند.

نجات نوزاد رها شده در توهم شیشه‌ای پدر

نوزادی ۱۱ ماهه که در توهم شیطانی پدر شیشه‌ای خود در بیابان‌های «خنداب» استان مرکزی رها شده بود، از سوی پلیس نجات یافت. به گزارش پلیس، روز یکشنبه مأموران انتظامی خنداب برای دستگیری مردی در یکی از روستاها وارد عمل شدند. همسر این مرد به مأموران گفت که شوهرش در خانه نیست و بعد از مصرف شیشه همراه نوزاد ۱۱ ماهه خود از صبح خانه را ترک کرده است.

سرهنگ «جعفر شمس بیرانوند» رئیس پلیس خنداب در این باره گفت: با تحقیقات پلیسی این مرد در یکی از محلات روستا دستگیر شد اما اثری از نوزاد ۱۱ ماهه وی نبود. وی ادامه داد: با توجه به وضعیت شیشه‌ای بودن این مرد و پراکنده‌گویی‌های وی و اعلام بی‌اطلاعی از وجود نوزاد، مأموران به موضوع ظنین شدند و تحقیقات برای یافتن نوزاد در دستور کار قرار گرفت. سرهنگ بیرانوند اضافه کرد: با توجه به تحقیقات پلیس در گفته‌های پدر شیشه‌ای مشخص شد وی با توجه به اثرات مصرف شیشه دچار توهم شده و با گمان این که بچه‌اش نوزاد شیطان است وی را در بیابان و در نقطه‌ای نامعلوم رها کرده است. رئیس پلیس خنداب با اشاره به سیج تیم‌های گشتی برای یافتن نوزاد تصریح کرد: با توجه به اهمیت موضوع چندین تیم گشتی برای یافتن نوزاد به محل اعزام شدند و بعد از ساعاتی نوزاد گریان داخل یک کاپشن سیاه‌رنگ در نزدیکی مسیر رودخانه پیدا و تحویل مادرش شد.

کلاهبرداری میلیاردی با چهره فریبنده



کلاهبردار میلیاردی که ۱۵ طعمه را در شهریار فریب داده بود، دستگیر شد. سرهنگ «منصور خدادادی» رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران گفت: با پیگیری پرونده‌ای از کلانتری ۱۸ باغستان شهریار مبنی بر کلاهبرداری یک مرد که با چهره فریبنده خود را از کارکنان دولت معرفی می‌کرد، بررسی موضوع در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت. وی ادامه داد: این مرد با فریب مردی به وی وعده داده بود می‌تواند برایش تخفیف مجوز ساخت بگیرد و با این بهانه ۱۰۴ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال از وی گرفته و هیچ کاری انجام نداده بود.

وی افزود: با توجه به حساسیت موضوع، کارآگاهان با تحقیق از مالباخته پی بردند که مرد شیاد با نشان دادن دستبند و انواع کارت‌های شناسایی از نهادهای کشوری و لشکری، وی را فریب داده و اعتمادش را جلب کرده و در فواصل مختلف به بهانه پیشرفت کار پول‌های میلیونی گرفته است. سرهنگ خدادادی تصریح کرد: به مرور زمان مالباخته‌های دیگری که به بهانه‌های مختلف و متناسب به نیاز آنها، مانند گرفتن وام‌های سنگین، آزادی زندانی و اعطای نمایندگی با چهره موجه و با استفاده از عناوین جعلی و دادن شماره حساب خود کلاهبرداری کرده بود به پلیس آگاهی مراجعه کردند. رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران عنوان داشت: با بکارگیری مخبران و اقدام‌های فنی سرانجام وی در منطقه فردیس مورد شناسایی قرار گرفت و پس از دستگیری برای تحقیقات بیشتر به پلیس آگاهی منتقل شد. این مقام ارشد انتظامی اظهار داشت: در بازجویی از این مرد، وی با اعتراف به جرمش، به کلاهبرداری از ۱۵ مرد به ارزش یک میلیارد و ۸ میلیون ریال اعتراف کرد. سرهنگ خدادادی افزود: این مرد اعتراف کرد با همراه داشتن دستبند و گاز اشک آور، در کلاهبرداری‌هایش کارت‌های مربوط به نمایندگی شرکتش را به مالباختگان نشان می‌داد و به بهانه وام گرفتن از آنها پول می‌گرفت. بنابر این گزارش، بازپرس پرونده با احتمال افزایش تعداد طعمه‌های این مرد خواستار انتشار عکس وی شد تا کسانی که به دام مشابه افتاده‌اند به پلیس آگاهی غرب استان تهران مراجعه کنند.

مهار آتش تانکر بنزین پیش از انفجار

تانکر آتشین حامل ۳۲ هزار لیتر بنزین پیش از انفجار مهار شد. رئیس شرکت نفت پخش فرآورده‌های نفتی ناحیه ایرانشهر در جنوب سیستان و بلوچستان گفت: نیمه‌شب یکشنبه یک تانکر حامل ۳۲ هزار لیتر بنزین در کیلومتر ۴۰ محور بزمان - ایرانشهر آتش گرفت و با مهار شعله از انفجار جلوگیری به عمل آمد. «ابراهیم دلخوش» به ایرنا گفت: این حادثه آتش‌سوزی به علت درگیرشدن لنت‌های ترمز دچار داغ‌شدن لاستیک خودروی حامل بنزین رخ داد که با هشیاری راننده و حضور به‌موقع مأموران آتش‌نشانی از انفجار تانکر جلوگیری به عمل آمد. وی با تقدیر از همکاری پلیس، اداره راه و شهرسازی و آتش‌نشانی، گفت: با رعایت مسائل ایمنی تانکر برای تخلیه سوخت به مرکز شهر ایرانشهر منتقل شد و در این حادثه فقط لاستیک‌های عقب تانکر سوخته است بنابراین آسیب یا خسارت دیگری نداشته‌ایم.

کلاهبرداری میلیونی زن و شوهر در رشت

زوج کلاهبردار ۶۷۰ میلیارد ریالی توسط مأموران پلیس رشت دستگیر شدند. سرهنگ «کامرانی صالح» جانشین رئیس پلیس استان گیلان گفت: در پی اعلام شکایت یکی از مؤسسات مالی علیه زوجی مبنی بر این که وی پس از عقد تفاهمنامه کاری و اخذ اعتبار لازم به تعهدات خود عمل نکرده، موضوع مورد پیگیری قرار گرفت. سرهنگ کامرانی بیان کرد: پیگیری‌های مستمر پلیس سرانجام به نتیجه رسید و یکی از اکیپ‌های پلیس موفق شدند مخفیگاه این زوج متواری را در یکی از خیابان‌های شهر رشت شناسایی و دستگیر کنند. به گفته وی، میزان کلاهبرداری این زوج براساس اعلام شکایت مؤسسه مالی مربوطه، ۶۷۰ میلیارد ریال اعلام شد.

راز عروسک در باند خانوادگی سرقت



گروه شوک: تصادف با تیر چراغ برق در صحنه فرار گردانندگان باند خانوادگی سرقت، پرده از سرنوشت عروسک مرموز برداشت.
ساعت ۱۰ شامگاه ۲۱ فروردین‌ماه سال جاری خودرویی در حالی که مردی از آن آویزان بود با تیر چراغ برق تصادف کرد.

مأموران کلانتری ۱۵۱ یافت‌آباد وقتی خود را به خیابان ۱۵ متری دوم جنوبی رساندند در تحقیقات میدانی پی بردند دو مرد و یک زن جوان در حالی که قصد فرار با پژویی را داشته‌اند با انحراف خیابان اصلی با تیر چراغ برق تصادف کرده‌اند و پیش از هر گونه اقدامی برای گریز در محاصره مردم خشمگین افتادند.

مأموران همزمان با دستگیری زن و مردان مرموز به بازرسی خودرویشان پرداختند و با پیدا کردن گازهای اشک آور و اموال سرقتی از مغازه تجهیزات برقی، خود را در برابر یک عروسک دیدند که نه تنها قنداق شده بود بلکه پوششی داشت که ابتدا همه تصور کردند نوزاد واقعی است. در همان صحنه دستگیری مشخص شد عروسک در زمان سرقت از سوی اعضای باند در آغوش زن تبهکار بوده تا همه با قصد این که یک نوزاد واقعی است به رفتار آنان شک نکنند.

با مخابره این سرقت و حادثه به دادیار شعبه دوم دادسرای امور جنایی تهران، وی به تیمی از پایگاه پنج پلیس آگاهی تهران دستور داد تا پرده از اقدام‌های مجرمانه دو مرد و زن بردارند. کارآگاهان ابتدا سراغ فروشنده لوازم برقی رفتند، وی گفت: «ساعت نزدیک ۱۰ شب بود که دو مرد و یک زن برای خرید لوازم برقی به مغازه‌ام آمدند و پس از دقایقی در حالی که این زن بچه‌ای همراه داشت، به بهانه نگهداری بچه به داخل خودرو رفت و آن دو مرد برای خرید در مغازه ماندند. آنها یک صورت خرید به من داده و من نیز هر وسیله‌ای را که می‌گفتند برایشان می‌آوردم، هنگام انتقال اجناس به داخل خودرو، دزدی که در داخل مغازه بود از من یک آیفون تصویری خواست و من نیز برای آوردن آیفون به سمت قفسه‌ها رفتم و همزمان زن جوانی که در داخل خودرو نشسته بود همسرش را صدا می‌زد و می‌گفت بچه سرش درد می‌کند. در همین زمان متوجه شدم که آنها قصد فرار دارند که به دنبال خودرویشان دویدم و از در سمت راننده آویزان شدم؛ با این وجود راننده با سرعت شروع به حرکت کرد و ۴۰ متری مرا روی زمین کشید؛ همزمان مرد جوانی که در صندلی عقب خودرو نشسته بود نیز از پشت گردن به من مشت می‌زد تا خودرو را رها کنم که سرانجام راننده ابتدا با یک عابر پیاده و بعد با تیر چراغ برق تصادف کرد.

تجسس‌های پلیسی نشان داد رئیس این باند «جعفر» ۴۳ ساله است و بارها با کلکسیونی از جرایم به زندان افتاده است.

آخرین بار نیز در اردیبهشت‌ماه سال ۹۱ دستگیر و پشت میله‌های آهنین بود که این بار با پسر ۱۹ ساله‌اش به نام «ابراهیم» و همسر سوم‌اش که «ملیحه» نام دارد و ۲۴ ساله است دست به این سرقت‌ها زده‌اند.

تحقیقات پلیسی نشان داد «جعفر» و «ملیحه» هر دو به شیشه اعتیاد دارند و آنان پذیرفتند به سرقت‌های مشابهی در شهرهای مختلف بویژه تهران و کرج دست زده‌اند. «جعفر» گفت: فقط کافی بود در داخل مغازه فروشنده حضور داشته باشد تا به بهانه خرید به داخل آن رفته و پس از انتقال اجناس به خودرو، پس از پاشیدن اسپری به صورت مغازه‌دار از محل فرار می‌کردیم.